

فیلیپ راث

فیلیپ راث در سال ۱۹۳۳ در نیوجرسی آمریکا به دنیا آمد و در دانشگاه‌های روتگرز، بوکنل و شیکاگو درس خواند. با اولین کتاب‌اش ((خداحافظ کلمب، Goodbye Colombus ۱۹۵۹)) جایزه‌ی ملی کتاب را در بخش داستان از آن خود کرد. در ۱۹۶۹ از داستان ((خداحافظ کلمب)) فیلمی ساختند.

اولین رمان‌اش ((رهایی، Letting Go ۱۹۶۲)) کشمکش پرفسور یهودی جوانی را نشان می‌دهد که بین عقل و احساس در مانده است و این روند با انتشار کتاب ((وقتی او خوب بود، When she was good ۱۹۶۷)) ادامه یافت. در ۱۹۶۹ ((بیماری پورتنوی، Portnoy's Complaint)) را نوشت، کتابی پر طرفدار و بحث‌انگیز که روابط جنسی الکساندر پورتنوی را تحلیل می‌کند و به شیوه‌ی تک‌گویی‌های پورتنوی در لحظات روان‌درمانی روایت می‌شود. کتاب‌های دیگرش در این دوران ((سینه The Breast ۱۹۷۲)) ((رمان بزرگ امریکایی، The Great American Novel ۱۹۷۳)) و ((زندگی من به عنوان یک مرد، My life as a Man ۱۹۷۴)) هستند. در ((پرفسور شهوت، The Professor of Desire ۱۹۷۷)) یک روشنفکر جوان یهودی به جست و جوی اقناع شخصی بر می‌آید. رمان‌های ((نویسنده‌ی پرده‌نشین، The Ghost Writer ۱۹۷۹)) ((زوکرم‌ن آزاد، Zuckerman Unbound ۱۹۸۱)) ((درس آناتومی، The Anatomy Lesson ۱۹۸۳)) و ((ضد زندگی، The Counterlife ۱۹۸۶)) زندگی و مشکلات ناتان زوکرم‌ن نویسنده را بررسی می‌کنند.

راث در دهه‌ی نود آثار پرشوری منتشر کرد. در ((میراث، Patrimony ۱۹۹۱)) تلاش پدرش را در کشاکش یک بیماری مهلک به تصویر کشید. همچنین، رمان‌های ((نیرنگ، Deception ۱۹۹۰)) و ((تئاتر روز سبت، Sabbath's Theater ۱۹۹۵)) را نوشت که در سال ۱۹۹۵ جایزه‌ی ملی کتاب را در بخش داستان به او اختصاص داد و در سال ۱۹۹۸ ((مرغزار امریکایی، American Pastoral ۱۹۹۷)) برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر شد. ((من با یک کمونیست ازدواج کردم، I Married A Communist ۱۹۹۸)) به زندگی سه دوست می‌پردازد که در دهه‌ی پنجاه به جریان‌ات ضد کمونیستی آمریکا پیوسته بودند. در ((ننگ بشر، The Human Stain ۲۰۰۰)) دوباره ناتان زوکرم‌ن به عنوان راوی باز می‌گردد و در ((حیوان محتضر، The Dying Animal ۲۰۰۱)) شخصیت‌های رمان‌های ((سینه)) و ((پرفسور شهوت)) بار دیگر به ایفای نقش می‌پردازند.

... و مباحثی را که همواره با استادم پیرامون سرشت بشر در گوشه و کنار جهان داشتیم، به یاد می‌آورم. هر گاه سخن به ((دروغ و دروغ پردازی)) می‌کشید، او به سختی درمی‌یافت؛ هر چند که خود تیزبینانه‌ترین قضاوت‌ها را داشت؛ و این‌گونه استدلال می‌کرد که: گفتار ما را به درک یکدیگر و دریافت حقایق رهنمون می‌شود و اگر کسی راستی را ناراست بنماید، این مقاصد به شکست انجامیده است؛ چون دیگر نمی‌توان گفت که من او را درک کرده‌ام؛ و با دریافت حقیقت - حقیقتی که او بر جای می‌نهد و بسیار بدتر از جهالت است - فاصله‌ی بسیار دارم؛ زیرا باید باور کنم که سپیدی سیاه می‌نماید و بلندی، کوتاه؛ و این‌ها همه اندیشه‌های او بودند درباره‌ی دروغ که نوع بشر آن را این‌گونه خوب آموخته و در سراسر جهان به کار بسته است.

جانانان سويفت؛ سفری به (Houyhnhnms ۱۷۲۶)

... انسان باید دریابد که هرج و مرج سیاسی امروز با تباهی زبان ارتباط دارد؛ و شاید بتوان با ایجاد تحولی در مقصود کلام، به پاره‌ای اصلاحات دست یازید ... زبان سیاسی - و با تفاوت‌هایی این مسئله در مورد همه‌ی گروه‌های سیاسی، از محافظه‌کاران تا آنارشیست‌ها، صدق میکند - طوری طراحی شده که دروغ‌ها را حقیقت و قتل را معتبر جلوه دهد؛ و به باد پاک، ظاهری انجاماد گونه ببخشد.

جرج ارول؛ سیاست و زبان انگلیسی. (۱۹۴۶)

من براساس باورهای شخصی و مذهبی‌ام، سقط جنین را یک شکل غیر قابل قبول کنترل جمعیت می‌دانم. به علاوه، قادر نیستم روش‌های نامحدود سقط جنین یا سقط جنین عامدانه ۱ را با اعتقاد به قداست زندگی بشری - و زندگی نازادگان - سازگار نمایم؛ چون بیشک نازادگان نیز حقوقی دارند، حقوقی که در قانون مشخص و حتی در اصول مشروح سازمان ملل، به رسمیت شناخته شده است.

ریچارد نیکسون؛ سن کِلِمنت، سوم آوریل ۱۹۷۱

۱. به نویسنده‌ای اطلاق می‌شود که در ازای پول، آثارش را به نام دیگران چاپ می‌کند.

۱. Abortion On Demand

رئیس جمهور ما (هنرپیشه‌ی دغل و دوستانش)

نویسنده: فیلیپ راث مترجم: افشین رضاپور

(Our Gang) (Starring tricky And His friends)

Written by Philip Roth

Translated by Afshin Rezapur

۱۵ دغل یک شهروند مسئله‌دار را آرام می‌کند.

۲۵ دغل یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار می‌کند.

۴۳ دغل بحران دیگری را از سر می‌گذرانند یا نشست آموزشی فنون مسابقه.

۱۱۹ دغل برای ملت نطق می‌کند(خطابه‌ی مشهور چیزی در حکومت دانمارک پوسیده است).

۱۶۳ ترور دغل.

۲۲۱ در راه بازگشت یا دغل در جهنم.